

## بررسی باستان‌شناسی سفال‌های دوره اسلامی محوطه باستانی نجیر خانلق ری<sup>۱</sup>

دکتر فیروز مهجور

استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران

محمد ابراهیمی نیا

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه تهران

حسین صدیقیان

دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دوره اسلامی دانشگاه تهران

(از ص ۱۷۳ تا ۱۹۲)

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۰۷/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۱۰/۱۵

### چکیده:

محوطه باستانی نجیر خانلق، واقع در بخش فشافویه شهر ری، با عرصه دست کم ۱۱ هکتاری، یکی از محوطه‌های مهم دوره اسلامی است که تاکنون کمتر مورد توجه قرار گرفته است. متأسفانه بخش‌هایی از آن توسط ادوات کشاورزی تسطیح شده است. علاوه بر وسعت بسیار زیاد، پراکنش فراوان و گسترده آثار فرهنگی در سطح آن بویژه قطعات مختلف سفالینه‌های بدون لعاب و لعاب‌دار بر اهمیت فرهنگی و تاریخی این محوطه، دلالت می‌نمایند. به همین علت در تابستان سال ۱۳۸۹، طی یک برنامه پژوهشی باستان‌شناختی، به مطالعه و بررسی سطحی این محوطه پرداخته شد. این بررسی‌ها ثابت نمود که محوطه مذکور در دوره‌های میانی و متأخر اسلامی دارای استقرار و رونق خوبی بوده است. این مقاله نتیجه مطالعه داده‌های سفالین بررسی مذکور است.

سفالینه‌های مورد مطالعه در طیف بسیار گسترده و متنوع بدون لعاب و لعاب‌دار قرار دارند و هر یک به زیر گروه‌های فراوانی تقسیم می‌شوند. از نکات جالب توجه آنکه در بین قطعات سفالینه‌های لعاب‌دار، نمونه‌های متعددی از هر دو گونه سفال‌های موسوم به کوباچه شناسایی گردید که تاکنون از این منطقه و استقرارهای اطراف آن لااقل با این حجم، شناسایی و گزارش نگردیده بود. هم‌چنین گاهنگاری‌های نسبی و مقایسه‌ای داده‌های سفالین، مبین آن است که محوطه نجیر خانلق، حداقل در فاصله‌ی قرون ۴ تا ۱۱ ه.ق. دارای استقرار بوده و این استقرار در فاصله قرون ۹ تا ۱۱ ه.ق. به اوج رونق خود رسیده است.

**واژه‌های کلیدی:** شهر ری، محوطه نجیر خانلق، شوره‌پزخانه، بررسی باستان‌شناختی، دوران

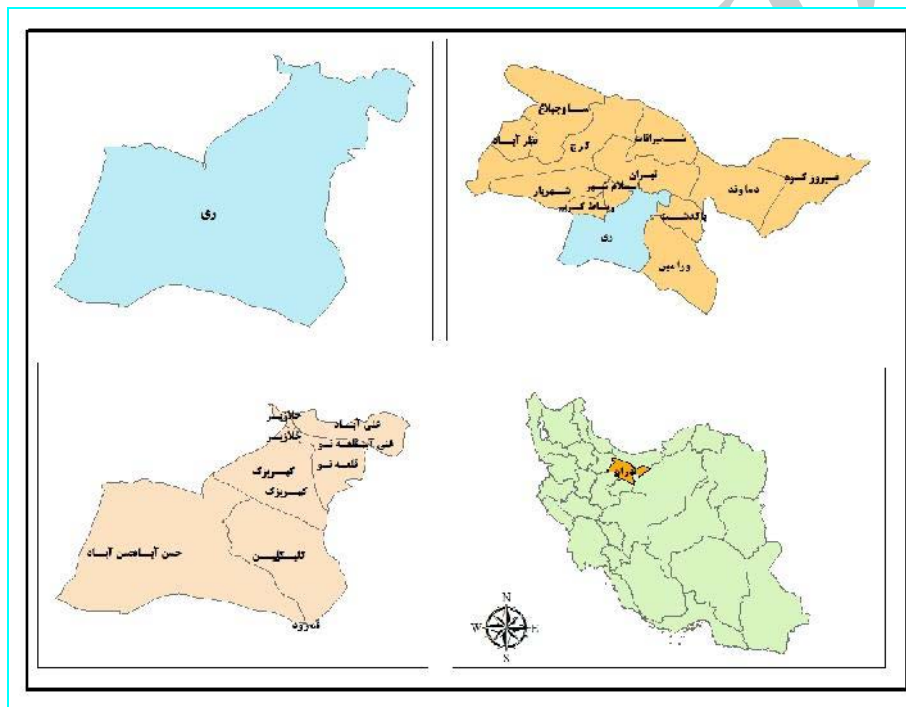
اسلامی، سفال.

نشانی پست الکترونیکی نویسنده مسئول: fmahjor@ut.ac.ir

۱. این مقاله، بر گرفته از طرح تحقیقاتی این جانب تحت عنوان «بررسی باستان‌شناسی محوطه شوره‌پزخانه (خانلق) در دشت تهران» می‌باشد، که با پشتیبانی معاونت محترم پژوهشی دانشگاه تهران تصویب و اجرا شده است.

## معرفی محوطه

محوطه باستانی «نچیر خانلق» یا «شورپزخانه» امروزه در بخش فشاپویه، از توابع شهرستان ری قرار گرفته است. فاصله هوایی این محوطه تا مراکز اصلی دو شهرستان ری و ورامین حدود ۳۰ و ۲۷ کیلومتر است. در هشت کیلومتری شمال غربی این محوطه، شهر جدید حسن‌آباد واقع شده است. تنها راه ارتباطی امروزی به محوطه نچیر خانلق، از این شهر می‌گذرد. در حال حاضر، «شورپزخانه» یا «نچیر» در فاصله ۱/۴ کیلومتری جنوب غربی روستای «خانلق»، ۲/۵ کیلومتری جنوب شرقی روستای مهم و تاریخی «کلین» و ۲/۵ کیلومتری کارخانه تولید روغن ماشین آتلانتیک، واقع شده است. راه ارتباطی و آسفالت‌ت‌ روستای کلین به خانلق از فاصله حدود یک کیلومتری این محوطه می‌گذرد که در بخشی از آن، یک جاده فرعی خاکی احداث شده است و تقریباً تا کنار محوطه باستانی مذکور امتداد دارد (نقشه ۱).

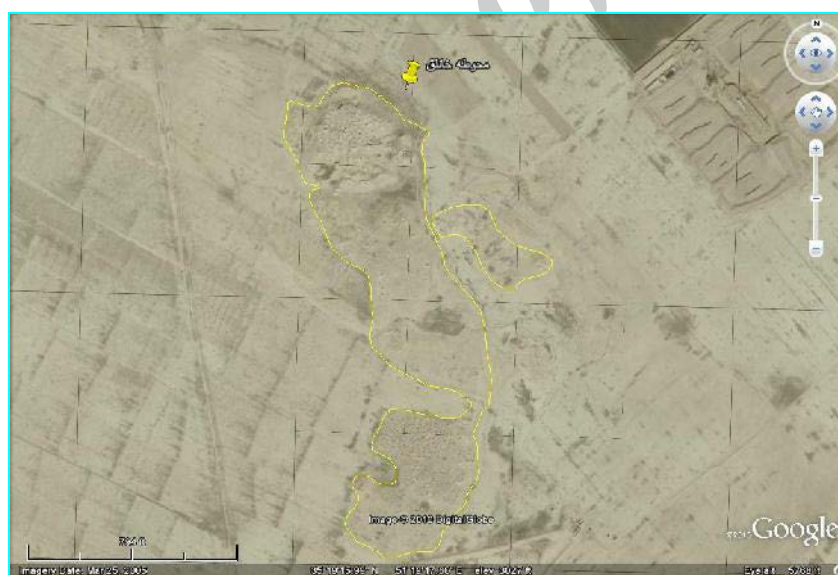


نقشه ۱: موقعیت جغرافیایی شهر ری

ابعاد تقریبی محوطه بر اساس اندازه‌گیری از روی تصاویر ماهواره‌ای، ۲۰۰ × ۵۵۰ متر است و ارتفاع آن از سطح دریا ۹۳۸ متر است. طول جغرافیایی ۵۱ درجه و ۱۹ دقیقه و ۱۲ ثانیه و عرض جغرافیایی آن ۳۵ درجه و ۱۹ دقیقه و ۲۴ ثانیه است. بر اساس بررسی‌های باستان‌شناختی منطقه، در حال حاضر، بزرگترین محوطه اسلامی دشت تهران به‌شمار می‌رود و به استناد عکس‌های هوایی و مشاهدات میدانی، هم‌اکنون از دو بخش مجزای شمالی و جنوبی تشکیل شده است که ارتفاع منظری بخش‌های مذکور به ترتیب از شمال به جنوب کمتر می‌گردد. بخش شمالی ارتفاعی بین ۷ تا ۷/۱۰ متر از سطح زمین‌های اطراف دارد، در حالی که حداکثر ارتفاع بخش جنوبی به ۷۰ تا ۱۰۰ سانتیمتر می‌رسد (تصاویر ۱-۳).



تصویر ۱: موقعیت محوطه نجیر خاقلق نسبت به اطراف



تصویر ۲: محوطه نجیر خاقلق



تصویر ۳: نمایی از محوطهٔ نچیر خانلق

موضوعی که بلافاصله با دیدن محوطهٔ مذکور به شدت جلب توجه می‌کند، چاله‌های حفاری غیرمجاز بسیار گسترده و فراوانی است که حجم بسیار زیادی از لایه‌های باستانی را تخریب و به هم ریخته است. علاوه بر چاله‌های حفاری باید به خاکبرداری‌های غیرمجاز بویژه در بخش‌های شرقی و جنوب شرقی که در مقیاس نسبتاً گسترده‌ای صورت گرفته نیز اشاره کرد که آسیب‌های جبران ناپذیری را بر سطح محوطه وارد آورده‌اند. بخشی از خاکبرداری‌های انجام شده به منظور استفاده از خاک محوطه در اراضی کشاورزی مجاور به عنوان رشوه و کود بوده است و یک بخش دیگر هم با توجه به وجود کوره‌های آجرپزی، احتمالاً برای تولید آجر استفاده شده است.

در سطح محوطه، علاوه بر برخی آثار معماری گستردهٔ خشتی و چینه‌ای شناسایی شده درون چاله‌های حفاری غیر مجاز، داده‌های فرهنگی زیادی شامل گونه‌های مختلف سفال‌های بدون لعاب و لعاب‌دار دورهٔ اسلامی و چند قطعه ظرف سنگی به چشم می‌خورد. پراکنش داده‌های سطحی در حاشیه‌های شرقی و غربی، تا فاصلهٔ ۱۴۰ متری از عرصهٔ ظاهری محوطه، و در طرفین شمالی و جنوبی آن، تا فاصلهٔ ۶۰ متری دیده می‌شود. این فراوانی آثار فرهنگی، در کنار وسعت محوطه، نشان می‌دهد که محوطهٔ نچیر خانلق، لااقل در بخشی از دوران اسلامی، استقرار فراتر از یک روستای کوچک داشته است.

### پیشینه پژوهشی

بر اساس اسناد و مدارک و گزارش‌های موجود، محوطه باستانی نچیر خانلق، نخستین بار در تاریخ ۱۳۶۶/۱۱/۱۷ توسط «امیری» مورد بازدید و بررسی قرار گرفته است (امیری، ۱۳۶۶: ۱). این مأموریت یک روزه

به منظور بازدید از چند اثر باستانی که در محدوده حسن‌آباد فشاپویه قرار داشته‌اند، صورت می‌گیرد. هدف اصلی این مأموریت، بازدید از محل پیدایی «کاشی‌های خشتی نفیس زرین‌فام دوره ایلخانی» در اراضی یک موسسه دامداری بنیاد مستضعفان در خانلق از توابع بخش فشاپویه شهرستان ری بود. امیری در این بازدید، تنها اشاره‌ای مختصر به موقعیت تقریبی جغرافیایی محوطه نچیر خانلق می‌کند و توضیح کوتاهی در مورد سفال‌های سطحی و وجود ساختار معماری در این محوطه می‌دهد. وی همچنین به وجود آجرهایی به ابعاد ۱۸×۱۸×۵ سانتی‌متر و قطعات شکسته کاشی‌های زرین‌فام در سطح این محوطه اشاره می‌نماید (نک. امیری: ۱۳۶۶).

محوطه مذکور در سال ۱۳۸۰ برای دومین بار، توسط «قدیر/افروند» و «خسرو پوربخشنده»، طی «برنامه بررسی و شناسایی شهرستان ری»، مورد بازدید و بررسی قرار می‌گیرد (افروند و پوربخشنده، ۱۳۸۱: ۷۷ و ۷۸). کار تعیین حریم محوطه نچیر خانلق نیز با توجه به پیگیری‌های عباس رضایی‌نیا، در زمستان سال ۱۳۸۵، به سرپرستی وی انجام شد که در طی آن مقرر گردید بدون انجام برنامه گمانه‌زنی و تنها با استفاده از شواهد و مدارک سطح الارضی، نسبت به تعیین عرصه و حریم تپه اقدام شود. از این رو نشانه‌گذاری‌هایی به فاصله ۱۵ تا ۳۰ متری عرصه ظاهری تپه انجام گرفت و پنج شاخص بتنی در اطراف تپه کار گذاشته شد. (رضایی‌نیا، ۱۳۸۵: ۴۵). وی طی تعیین حریم و نیز بررسی محوطه، به مطالعه یافته‌های سفالی پراکنده در سطح محوطه نیز پرداخت و آنها را به دو گروه کلی بدون لعاب و لعاب دار تقسیم نمود و نهایتاً سفال‌های بدون لعاب در دو نوع و سفال‌های لعاب‌دار در هشت نوع مختلف طبقه‌بندی گردیدند (رضایی‌نیا ۱۳۸۵: ۲۷-۳۲).

### بررسی باستان‌شناختی

محوطه باستانی «نچیر خانلق» از بخش فشاپویه (فشافویه) شهرستان ری، فضاهای پیرامونی و نیز داده‌های فرهنگی پراکنده در سطح آن، توسط نگارندگان در تابستان ۱۳۸۹ مورد مطالعه و بررسی سطحی باستان‌شناختی، قرار گرفت. داده‌های فرهنگی پراکنده سطحی محوطه، شامل نمونه‌های متنوعی از شیشه‌های باستانی به اشکال مختلف و با رنگ‌های متفاوت به‌ویژه سبز، قطعات محدودی از الگوهای شیشه‌ای به رنگ‌های لاجوردی و سبز، برخی از انواع ظروف سنگی اعم از ساده و تزئین شده، نمونه‌های مختلفی از کاشی‌های لعاب‌دار فیروزه‌ای رنگ، یک قطعه کاشی زرین‌فام و گونه‌های متعدد و متنوعی از سفالینه‌های بدون لعاب و لعاب‌دار دوران اسلامی است.

به طوری که اشاره شد برای نخستین بار در سال ۱۳۶۶ گزارشی در ارتباط با وجود کاشی‌های زرین‌فام در محوطه مذکور ارائه شده بود که این امر، موجب بررسی‌های سطحی آن محوطه گردید. ولی نه تنها در آن بررسی، بلکه حتی در طی گمانه‌زنی محوطه که در سال ۱۳۸۵ انجام پذیرفت، هیچ نمونه‌ای از این نوع کاشی شناسایی نگردید (رضایی‌نیا، ۱۳۸۵: ۲۱). اما در بررسی‌های باستان‌شناختی سال ۱۳۸۹، برای نخستین بار، یک قطعه کاشی زرین‌فام، در سطح محوطه، مورد شناسایی قرار گرفت. کاشی زرین‌فام مذکور که تنها بخش

کوچکی از آن باقی مانده، از نوع ستاره‌ای چند رنگ به ضخامت یک‌سانتی‌متر است که متأسفانه به دلیل کوچکی قطعه و آسیب‌دیدگی شدید سطح آن، تشخیص دقیق نقوش آن امکان‌پذیر نمی‌باشد. در ارتباط با اهمیت یافت شدن این قطعه کاشی در محوطه مذکور باید توجه داشت که تاکنون در محدوده شهرستان‌های ری و ورامین، تنها در بنای «مام‌زاده یحیی» در ورامین و به احتمال بسیار، شهر ری قدیم، کاشی زرین‌فام به طور مستند، شناسایی و معرفی گردیده بود و نه بیشتر (واتسون، ۱۳۸۲: ۲۶۹). در توضیح این مهم، ذکر نکاتی به شرح زیر ضروری است:

۱- شهر ری از مناطقی است که توسط برخی پژوهشگران مانند «آرتر آپهام پوپ»<sup>۱</sup> به عنوان خاستگاه سفال زرین‌فام، مطرح شده است (پوپ، ۱۳۸۷: ۱۷۸۵).

۲- از آنجا که ادعای مذکور، مستند به کاوش‌های باستان‌شناختی و نیز آزمایش‌های علمی نبود، برخی پژوهشگران دیگر مانند واتسون و میسن، نه تنها ری را به عنوان خاستگاه سفال زرین‌فام نپذیرفتند، بلکه آنجا را حتی به عنوان یکی از مراکز تولید این گونه سفالینه نیز به شدت زیر سوال بردند (Mason, 1997: 112; Watson, 1985: 41)، در صورتی که قدیمی‌ترین اثر سفالین زرین‌فام تاریخداری که تا چندی پیش شناخته و معرفی شده و مورخ به سال ۵۷۵ هـ.ق. است<sup>(۱)</sup> (پوپ، ۱۳۸۷: ۱۷۹۳) و نیز برخی نمونه‌های نفیس دیگر مانند یک کاسه مورخ به سال ۵۸۷ هـ.ق. (Pope, 1938: pl.638) منسوب به ری می‌باشند.

۳- در ارتباط با این موضوع، نباید از یک نکته بسیار دقیق و کلیدی که مشکل‌گشای بسیاری از سؤالات و ابهامات است، غفلت نمود. آن نکته، عبارت است از اینکه در بررسی آثار تاریخی و میراث فرهنگی شهر ری، همچون دیگر شهرهای تاریخی و باستانی، نباید فقط به محدوده «شهری» و «مرکزی» آنجا توجه و اکتفا نمود، بلکه باید حومه و اقمار و به طور کلی حوزه و قلمروی اداری، سیاسی و فرهنگی آن شهر را مد نظر قرار داد. بنابراین منظور از آثار فرهنگی و تاریخی شهر ری از جمله سفالینه‌ها و کاشی‌های زرین‌فام آنجا در هر دوره‌ای، داده‌های کلیه مناطقی است که در آن دوره، تابع آن شهر بوده و در قلمرو اداری- سیاسی، یا به اصطلاح امروزی، در حوزه استحفاظی آن شهر قرار داشته‌اند. توضیح آنکه، محور اصلی تحرک اقتصادی در بسیاری از شهرهای ایرانی و اسلامی، با توجه به وابستگی صنایع دستی آن شهرها به ساکنان و صنعتگران آن منطقه و مواد بومی‌شان، مصنوعات محلی و پایداری آن صنایع بوده است. لذا زمینه‌های حقوقی و اداری و نیز اجرایی پدید آمده، رشد اقتصادی متکی به صنایع کوچک و متوسط را در آن شهرها فراهم می‌آورد. بدین لحاظ همان گونه که این صنایع کوچک، علاوه بر داخل شهرها، در داخل روستاها نیز تولید شده‌اند، فعالیت کشاورزی نیز علاوه بر روستاها در درون دیوارهای شهر نیز انجام می‌گرفته است، زیرا بافت شهرهای اسلامی

1. Arthur Upham Pope



چنان بود که با کشیدن دیوارهای طولانی گرداگرد کشتزارهای اطراف شهر، امکان کشاورزی حتی در درون دیوارهای شهر پدید می‌آمد. کشتکاران نیز در شهر سکونت داشتند و از اجزای اصلی نظام اجتماعی و طبقاتی شهر به شمار می‌آمدند. بنابراین پیوند اجتماعات شهری و روستایی در نظام‌های منطقه‌ای، بر خلاف قرون وسطی در اروپا، منتهی به همبستگی صنایع دستی و بازرگانی با کشاورزی شد. به همین دلیل به جای تصور شهر و ده، بایستی مفهوم «منطقه شهری» را به کار برد، بخصوص در مورد شهرهای بزرگی مانند ری که دارای روستاهای متعددی در پیرامون خود بودند. «چه بسا به همین دلیل است که شکل‌گیری اصلی‌ترین اجزای شالوده شهر در این دوران در راستای محور ورود به شهر از سمت دروازه‌ای است که روی به آن زیستگاه مجاوری دارد که دارای بیشترین ارتباط با نقطه مزبور است، حتی اگر به لحاظ جمعیتی، سیاسی یا حتی اقتصادی، مهمترین نقطه شهر مزبور نباشد» (صحی زاده و...، ۱۳۷۶: ۲۵۵).

۴- علاوه بر نکته مذکور در بند ۳، که بر اساس آن، حوزه و محدوده یا به عبارت دیگر «منطقه شهری» ری تاریخی، بسیار فراتر از «شهر ری کنونی» است، برخی بررسی‌های علمی اخیر نیز آن شهر را به عنوان یک مرکز تولید سفال زرین‌فام، به اثبات رسانیده است. توضیح آنکه نتایج برخی آزمایش‌های به عمل آمده که مبتنی بر «روش‌های تجزیه دستگامی» است، مشخص نموده که کارگاه یا کارگاه‌هایی که سفالهای زرین‌فام کشف شده در ری را تولید می‌کرده‌اند، به مدتی قریب به یک قرن در سده‌های ششم و هفتم هجری قمری، با استفاده از یک منبع مواد اولیه و یک دستورالعمل ساخت، به تولید مشغول بوده‌اند (محسنیان، ۱۳۸۳: ۶۰، ۶۵-۶۶).

### سفالهای اسلامی

طی بررسی‌های سطحی محوطه نچیر خانلق، تعداد زیادی از گونه‌های مختلف سفالین، مربوط به دوران‌های مختلف اسلامی، با ویژگی‌های فنی و تزئینی متنوع و متفاوت شناسایی و بررسی شد. در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان این سفال‌ها را به دو گروه اصلی بدون لعاب و لعاب‌دار تقسیم‌بندی کرد که هر یک به زیر گروه‌های متعدد دیگری تقسیم می‌شوند.

#### ۱- سفال‌های بدون لعاب:

سفال‌های بدون لعاب این محوطه که از بیشترین درصد نمونه‌های پراکنده سطحی را تشکیل می‌دهند، خود به ۱۳ گروه مختلف قابل تقسیم‌بندی می‌باشند (جدول ۱).

شماره	نوع
۱	سفال‌های خمیره طیف نخودی (نخودی روشن تا نخودی مایل به قرمز) ساده
۲	سفال‌های خمیره سبز رنگ یا سبز شده بر اثر حرارت زیاد کوره
۳	سفال‌های خمیره طیف قرمز (قرمز روشن تا قرمز تیره) ساده

سفال‌های خمیره طیف قهوه‌ای (قهوه‌ای کم‌رنگ تا قهوه‌ای مایل به سیاه یا سوخته) ساده	۴
سفال‌های خمیره سیاه یا سیاه شده آشپزخانه‌ای	۵
سفال‌های خمیره طیف قرمز با پوشش رقیق یا غلیظ قرمز تیره و تزئین صیقلی	۶
سفال‌های خمیره قهوه‌ای مایل به قرمز با پوشش رقیق یا غلیظ قهوه‌ای و تزئین صیقلی	۷
سفال‌های خمیره طیف نخودی با انواع مختلف تزئین کنده	۸
سفال‌های خمیره طیف نخودی با انواع مختلف تزئین فشاری	۹
سفال‌های خمیره طیف نخودی با انواع مختلف تزئین برجسته	۱۰
سفال‌های خمیره طیف نخودی با انواع مختلف تزئین استامپی	۱۱
سفال‌های خمیره طیف نخودی با انواع مختلف تزئین قالبی	۱۲
سفال‌های خمیره سبز رنگ معروف به فقاع	۱۳

جدول ۱: طبقه‌بندی انواع سفال‌های بدون لعاب محوطه نجیر خانلق

خمیره این سفال‌ها در طیف متنوعی از رنگ‌های نخودی، سبز، قهوه‌ای، قرمز و سیاه قرار دارند که صرفاً برخی از سفال‌های خمیره سبز<sup>(۳)</sup> به دلیل حرارت زیاد کوره بدین رنگ درآمده‌اند. در این میان سفال‌های خمیره نخودی از بیشترین میزان پراکنش داده‌های سفالین سطحی برخوردارند، در حالی که نمونه‌های خمیره سبز و سیاه، پراکنش بسیار محدودی دارند و تنها چند قطعه از این سفال‌ها در سطح محوطه شناسایی گردیده است. ماده چسباننده بیشتر نمونه‌های بررسی شده، ماسه‌بادی بوده ولی در میان آنها قطعاتی نیز با ماده چسباننده ماسه، خرده آجر و میکای نقره‌ای نیز به چشم می‌خورد. لازم به ذکر است که ماده چسباننده میکا صرفاً در سفال‌های خمیره سیاه و دودزده آشپزخانه‌ای این محوطه ملاحظه شده که در نمونه‌های مشابه سایر محوطه‌های اسلامی در دیگر نقاط نیز به چشم می‌خورد.

از لحاظ تکنیک ساخت، بیشتر سفال‌های بررسی شده چرخ‌ساز می‌باشند، ولی قطعاتی نیز با تکنیک دست‌ساز و فتیله‌ای ساخته شده‌اند. از جهت شکل نیز اغلب سفال‌های بدون لعاب بررسی شده، ظروف دهانه بسته می‌باشند و بخش‌هایی از ظروفی چون خمره و کوزه را بوده‌اند.

در مجموع بیشتر داده‌های سفالی بدون لعاب بررسی شده این محوطه، ساده و بدون نقشند، ولی در میان آنها قطعات فراوانی نیز به چشم می‌خورد که با شیوه‌های تزئینی گوناگونی آراسته شده‌اند. تزئینات شناسایی و بررسی شده این سفال‌ها شامل صیقلی، کنده، فشاری، برجسته، مهری و قالبی است و هر یک از تنوع نقوش بسیار فراوانی برخوردارند. تزئین صیقلی صرفاً روی برخی سفال‌های خمیره قرمز یا قهوه‌ای با پوشش غلیظی



به رنگ خمیره سفال، مشاهده شد که تشابه بسیاری با نمونه‌های مربوط به دوران تاریخی دارند، ولی با توجه به آنکه برای نخستین بار در لایه‌های باستانی قرون پنجم تا هفتم ه.ق. جرجان شناسایی شده‌اند، این احتمال وجود دارد که سفال‌های مذکور که تشابه بسیاری با نمونه‌های جرجان و حتی برخی محوطه‌های حوزه فلات مرکزی ایران دارند نیز مربوط به این دوره باشند (ر.ک. مرتضایی و کیانی، ۱۳۸۵: ۱۱۶ و صدیقیان و دیگران: ۱۳۸۹).

تزئین کننده از فراوان‌ترین و متنوع‌ترین نقوش به‌کار گرفته شده روی سفال‌های بدون لعاب این محوطه است و شامل تزئینات کنده هندسی خطی نامنظم یا منظم افقی و عمودی، کنده شیاری افقی، کنده شانه‌ای نواری یا موجی و کنده جدولی است. در ارتباط با تزئین کنده جدولی باید بیان گردد که این تزئین در قالب جداول مستطیل شکلی می‌باشد که در بر گیرنده تزئینات دیگری چون قالبی، مهری یا فشاری هستند. معمولاً تزئینات مذکور روی ظروف دهانه بسته و بالای شکم ظرف تا زیر لبه، به‌کار رفته‌اند. تزئین فشاری نیز در انواع و اشکال مختلف، روی سفال‌های خمیره نخودی به‌کار رفته است. انواع تزئینات فشاری مشاهده شده بر روی سفال‌های این محوطه، شامل تزئین فشاری انگشتی، فشاری ناخنی، فشاری ابزاری دایره‌ای کوچک (به قطر کمتر از نیم سانتی‌متر) تو خالی یا تو پر، فشاری ابزاری مربعی شکل تو پر (ابعاد بدنه کمتر از نیم سانتی‌متر) و فشاری سوزنی است. این تزئینات نیز عموماً روی سفال‌های دهانه بسته و در بالای شکم ظروف مشاهده شده است.

تزئین برجسته هم به صورت بسیار محدود، بر روی برخی سفال‌های دهانه بسته که ابعاد نسبتاً بزرگی دارند، مانند خمیره‌های ذخیره مواد، به‌کار رفته است. تزئینات برجسته بررسی شده در این محوطه شامل تزئین برجسته نواری افقی و گوش مانند است که نمونه دوم احتمالاً کاربرد دسته ظروف را دارد، زیرا تنها در زیر لبه ظروف به‌کار رفته است. تزئین معروف به استامپی یا مهری به صورت بسیار محدود روی برخی سفال‌های محوطه مشاهده شده است (تصویر ۴). این روش تزئینی به دو شیوه در سفال‌های محوطه به‌کار رفته است: در شیوه اول استامپ یا مهر را به طور مستقیم روی خمیره سفال که هنوز حالت چرمینه یا خیس داشته، فشار داده و نقش انداخته‌اند. در شیوه دوم که تنها در یک قطعه سفال مشاهده گردید، استامپ یا مهر روی تکه گل دایره‌ای شکل جداگانه‌ای زده شده و سپس آن تکه به بدنه ظرف متصل یا افزوده شده است. تمامی تزئینات مهری بررسی شده این محوطه شامل انواع نقوش هندسی در طرح‌ها و اشکال مختلف است که بیشتر روی ظروف دهانه بسته به‌کار رفته، ضمن آنکه یک نمونه درپوش نیز به دست آمد.

تزئین قالبی نیز به صورت محدود روی برخی سفال‌های دهانه بسته خمیره نخودی روشن محوطه مشاهده گردید که شامل انواع نقوش هندسی، گیاهی، کتیبه‌دار و یک نمونه حیوانی بسیار منحصر به فرد است. تزئین

قالبی حیوانی مذکور مشتمل بر چند ردیف از حیوانات وحشی است که نقوش شیر و گوزن به وضوح قابل تشخیص است (تصاویر ۵-۶).



تصویر ۵: نمونه‌ای از سفال‌های خمیره نخودی با تزئین قالبی هندسی (مکشوف از نچیر خانلق)



تصویر ۶: سفال با تزئین قالبی حیوانی (مکشوف از نچیر خانلق)

## ۲- سفال‌های لعاب‌دار:

قطعات سفالین لعاب‌دار این محوطه از لحاظ ویژگی‌های فنی و تزئینی از تنوع بسیار زیادی برخوردار هستند و در یک تقسیم‌بندی کلی به ۲۷ گروه مختلف قابل تقسیم می‌باشند (جدول ۲).

شماره	نوع
۱	سفال‌های لعاب‌دار تک‌رنگ فیروزه‌ای خمیره نخودی
۲	سفال‌های لعاب‌دار تک‌رنگ فیروزه‌ای خمیره شبه‌چینی یا فریتی
۳	سفال‌های لعاب‌دار تک‌رنگ لاجوردی خمیره نخودی
۴	سفال‌های لعاب‌دار تک‌رنگ لاجوردی خمیره شبه‌چینی یا فریتی
۵	سفال‌های لعاب‌دار تک‌رنگ سبز خمیره نخودی
۶	سفال‌های لعاب‌دار تک‌رنگ سبز تیره خمیره نخودی
۷	سفال‌های لعاب‌دار تک‌رنگ سیاه خمیره نخودی
۸	نقش کنده زیر لعاب تک‌رنگ فیروزه‌ای خمیره نخودی
۹	نقش شیاری زیر لعاب تک‌رنگ فیروزه‌ای خمیره نخودی
۱۰	نقش کنده زیر لعاب تک‌رنگ فیروزه‌ای خمیره شبه‌چینی
۱۱	اسگرافیاتو زمینه سفید با خمیره نخودی و تزئین سبز تیره دور لبه
۱۲	قلم‌مشکی با خمیره شبه‌چینی
۱۳	نقاشی زیر لعاب سیاه در زمینه بادمجانی با خمیره نخودی
۱۴	نقاشی زیر لعاب سیاه در زمینه فیروزه‌ای خمیره نخودی میانی
۱۵	سفال‌های لعاب‌دار تک رنگ سفید با خمیره نخودی
۱۶	سفال‌های لعاب‌دار تک‌رنگ لاجوردی خمیره نخودی با تزئین قالبی یا برجسته زیر لعاب
۱۷	نقاشی زیر لعاب چند رنگ در زمینه سفید خمیره نخودی میانی
۱۸	نقاشی زیر لعاب چندرنگ در زمینه سفید خمیره فریتی میانی
۱۹	تزئین تراشی زیر لعاب در زمینه قهوه‌ای سوخته یا خمیره نخودی
۲۰	نقش کنده زیر لعاب تک‌رنگ لاجوردی خمیره فریتی میانی
۲۱	نقاشی زیر لعاب سیاه در زمینه فیروزه‌ای خمیره نخودی متأخر (گونه موسوم به کوباچه، نوع قلم سیاه)
۲۲	نقاشی زیر لعاب سیاه در زمینه فیروزه‌ای خمیره فریتی متأخر (گونه موسوم به کوباچه، نوع قلم سیاه)
۲۳	نقاشی زیر لعاب چند رنگ در زمینه سفید خمیره نخودی متأخر (گونه موسوم به کوباچه، نوع رنگارنگ)
۲۴	نقاشی زیر لعاب چند رنگ در زمینه سفید خمیره شبه‌چینی متأخر (گونه موسوم به کوباچه، نوع رنگارنگ)
۲۵	آبی و سفید خمیره نخودی متأخر
۲۶	آبی و سفید خمیره شبه‌چینی متأخر
۲۷	آبی و سفید خمیره چینی متأخر

جدول ۲: طبقه‌بندی انواع سفال‌های لعاب‌دار محوطه نچیر خانلق

بیشترین درصد خمیره سفال‌های لعاب‌دار پراکنده سطحی این محوطه را طیف نخودی رنگ گلی تشکیل می‌دهد و در رتبه بعدی، سفال‌های دارای خمیره شبه‌چینی یا فریتی<sup>(۳)</sup> و تا حدودی پرسلین چینی قرار دارد. این سفال‌ها را در یک تقسیم‌بندی کلی از لحاظ ویژگی‌های تزئینی، می‌توان به دو گروه مجزای تکرنگ و چندرنگ به شرح زیر تقسیم‌بندی کرد:

**الف: سفال‌های لعاب‌دار تکرنگ:** قطعات شناسایی شده پراکنده این گروه در سطح محوطه، خود به دو دسته کلی، قابل تقسیم می‌باشند: ۱- سفال‌هایی که صرفاً لعاب یک‌رنگ دارند. ۲- سفال‌هایی که علاوه بر لعاب، مزین به شیوه‌های تزئینی دیگری مانند نقش قالب‌زده، نقش برجسته، نقش کنده و طرح‌های شیاری می‌باشند. بنابراین، تقسیم‌بندی جزئی سفال‌های لعاب‌دار تکرنگ محوطه به این شرح است:

- تکرنگ ساده بدون نقش سفید، فیروزه‌ای، لاجوردی، سبز.
- سبز تیره یا تیره و سیاه (تصویر ۷).
- نقش کنده و شیاری زیر لعاب فیروزه‌ای یا لاجوردی.
- نقش قالبی یا برجسته در زیر لعاب لاجوردی.



تصویر ۷: سفال لعاب‌دار تکرنگ سبز تیره با خمیره نخودی (مکشوف از نچیر خانلق)

با آنکه در بین سفال‌های این گروه، نمونه‌های لعاب‌دار تک‌رنگ ساده فیروزه‌ای، لاجوردی و نقش‌کنده زیر لعاب تک‌رنگ فیروزه‌ای، روی خمیره نخودی و نیز شبه‌چینی به کار رفته‌اند، ولی بیشتر نمونه‌ها را خمیره نخودی تشکیل می‌دهد. به عبارت دیگر تزئین‌کننده زیر لعاب تک‌رنگ فیروزه‌ای با خمیره شبه‌چینی تنها در چند قطعه دیده می‌شود و تزئینات مزبور، در داخل ظروف دهانه‌باز مانند کاسه‌های کوچک یا متوسط به چشم می‌خورد. نقوش‌کننده در تمامی نمونه‌ها به‌طور مستقیم روی سطح خمیره سفال ایجاد شده است و فقط یک نمونه شناسایی گردید که در آن نقش‌کننده روی آستر یا گلابه سفید ایجاد شده و سپس لعاب داده شده بود.

**ب- سفال‌های لعاب‌دار چند رنگ:** نمونه سفال‌های شناسایی شده این گروه در سطح محوطه، شامل تکنیک نقش‌کننده در گلابه مشهور به اسگرافیاتوی در زمینه سفید با خمیره نخودی و تزئین سبز تیره دور لبه، قلم‌مشکی، نقاشی زیر لعاب سیاه در زمینه بادمجانی، تزئین تراشی زیر لعاب در زمینه قهوه‌ای سوخته، نقاشی زیر لعاب سیاه در زمینه فیروزه‌ای، نقاشی زیر لعاب چند رنگ در زمینه سفید و در نهایت سفال یا چینی آبی و سفید است.

سفال‌های اسگرافیاتوی زمینه سفید با تزئین سبز تیره دور لبه که به میزان محدودی در محوطه وجود دارند، خمیره نخودی رنگ دارند و ماده چسباننده آنها ماسه‌بادی است، به جز یک مورد که ذرات ماسه ریز در خمیره آن به چشم می‌خورد.

فرم تمامی نمونه‌های بررسی شده سفال‌های این گروه، دهانه‌باز است و بیشتر شامل انواع کاسه‌های بزرگ یا همان قح است. لبه‌های این سفال‌ها، گرد ساده است و کف آنها معمولاً به‌صورت حلقوی کامل یا نیمه‌حلقوی<sup>(۴)</sup> است. سطح داخلی این سفال‌ها و بخشی از نیمه بالایی بدنه ظروف در قسمت خارجی آنها با یک لایه گلابه سفید رنگ پوشیده شده و سپس داخل آنها با انواع تزئینات‌کننده، مزین گشته است. تزئینات‌کننده مشاهده شده در سفال‌های این محوطه، تماماً شامل اشکال مختلف هندسی است که بیشتر سطح روی کف را پوشانده‌اند. بعد از این تزئینات، یک لایه لعاب شفاف سربی، روی سفال‌ها را پوشانده که بخش‌های تزئین‌دار را تقریباً به رنگ نخودی مایل به زرد یا نارنجی نشان می‌دهد. علاوه بر این، دور لبه‌های این سفال‌ها نیز با یک لایه لعاب به رنگ سبز تیره پوشانده شده است. بر اساس گاهنگاری‌های نسبی و مقایسه‌ای، سفال‌های این گروه در فاصله قرون چهارم تا ششم ه. ق. تولید و مورد استفاده قرار گرفته‌اند (توحیدی، ۱۳۷۸: ۲۶۷).

بیشتر در بین ظروف دهانه بسته، سفال‌های قلم‌مشکی با خمیره شبه‌چینی به چشم می‌خورد و فقط یک قطعه با فرم دهانه‌باز در بین نمونه‌های سطحی مشاهده گردید. در این شیوه، تمامی سطح خارجی ظرف با گلابه سیاه پوشانده شده و سپس سطح بخشی از قسمت‌های گلابه با خطوطی به‌صورت شیاری عمودی تراشیده شده است. پس از این کار، روی سفال یک لایه لعاب شفاف فیروزه‌ای رنگ کشیده شده است. بنابراین این گونه سفالها با دو رنگ سیاه و فیروزه‌ای دیده می‌شوند (گروه، ۱۳۸۴: ۱۲۹ و Mason, 2004: 132). لازم به یادآوری است که این شیوه تزئینی، یعنی «سفالینه با نقاشی زیر لعاب»، پس از سده ششم ه. ق. نقش مهمی در تاریخ سفال‌گری اسلامی ایفا نموده است (فهروری، ۱۳۸۸: ۳۷).

تزئین نقاشی زیر لعاب سیاه در زمینه بادمجانی، تنها در یک نمونه سفال شناسایی گردید که خمیره‌ای نخودی رنگ با ماده چسباننده ماسه دارد. کیفیت پرداخت سفال مزبور، بسیار ضعیف است، علاوه بر ناهموار بودن سطح داخلی و خارجی بدنه آن، به دلیل استفاده از ماده چسباننده ماسه، لعاب استفاده شده و تزئینات آن نیز بسیار ضعیف و بی‌کیفیت است. متأسفانه تاکنون و طی بررسی‌های صورت گرفته هیچ نمونه قابل مقایسه‌ای با این سفال شناسایی نگردید که بر پایه آن بتوان یک تاریخ نسبی برای آن در نظر گرفت.

تزئین تراشی زیر لعاب در زمینه قهوه‌ای سوخته نیز تنها در یک قطعه سفال محوطه شناسایی شد. این سفال، خمیره نخودی مایل به قرمز با ماده چسباننده ماسه‌بادی دارد و فرم آن دهانه‌باز است. روی خمیره این سفال ابتدا یک لایه پوشش گلی نسبتاً غلیظ قهوه‌ای رنگ داده شده است و سپس با ابزارهای نوک‌تیز و پهن، بخش محدودی از سطح داخلی سفال را با ضخامت کمتر از یک میلی‌متر تراش داده‌اند. سرانجام هم روی پوشش گلی و نقوش تراشیده شده هندسی را با یک لایه لعاب غلیظ سربی روشن متمایل به زرد پوشانده‌اند. تزئین نقاشی زیر لعاب چند رنگ در زمینه سفید با خمیره نخودی یا شبه‌چینی قرون میانی به میزان نسبتاً محدودی شناسایی شد (تصویر ۸) که بیشتر شامل انواع سفال‌های دهانه‌باز مخصوصاً اشکال متنوع کاسه‌های کوچک تا بزرگ است. روی بدنه داخلی و تا حدودی خارجی این سفال‌ها با یک لایه پوشش گلی یا گلابه سفید رنگ پوشیده شده و سپس با انواع رنگ‌های مختلف، به‌ویژه سیاه و فیروزه‌ای تزئین شده است. نقوش به‌کار رفته در سفال‌های مذکور شامل اشکال مختلف هندسی و تا حدود کمی اسلیمی و گیاهی است که در زیر یک لایه لعاب شفاف قلیایی پوشانده شده‌اند. با توجه به گاهنگاری‌های نسبی و تطبیقی، احتمالاً این نوع سفال‌ها در فاصله قرون ششم تا هشتم ه. ق. تولید و مورد استفاده قرار گرفته‌اند.



تصویر ۸: انواع سفال‌های لعاب‌دار با تزئین نقاشی زیر لعاب چندرنگ در زمینه سفید، خمیره فریتی (مکشوف از نچیر خانلق)



تزئین نقاشی زیر لعاب سیاه در زمینه فیروزه‌ای، روی سفال‌هایی با خمیره نخودی و شبه‌چینی ملاحظه گردید. تزئینات به‌کار رفته در نمونه‌های بررسی شده، شامل انواع مختلف و متنوع نقوش هندسی و گیاهی مانند اسلیمی می‌باشد که به رنگ سیاه است و روی زمینه فیروزه‌ای رنگی کشیده شده است. در نهایت روی نقوش یک لایه لعاب شفاف رقیق کشیده شده که مانع از پاک شدن نقوش گردیده است. با توجه به گاهنگاری‌های نسبی و مقایسه‌ای، بیشتر نمونه‌های بررسی شده این گروه مربوط به قرون ششم تا هشتم ه.ق. است.

این تزئین علاوه بر سفال‌های قرون میانی اسلامی، در نمونه‌های قرون متأخر اسلامی محوطه نیز دیده می‌شود که در ادبیات باستان‌شناسی دوران اسلامی، به سفال‌های گونه موسوم به کوباچه معروفند و از جهت تاریخی و از لحاظ لعاب و نقش، به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند:

۱- ظروف کوباچه متقدم و اولیه که دارای نقوشی به رنگ سیاه در زیر لعاب فیروزه‌ای، آبی مایل به سبز و سبز مایل به زرد می‌باشند (تصاویر ۹- ۱۰). در این گونه سفال‌ها قبل از اجرای نقوش سیاه، معمولاً طرح‌ها به صورت خطی ظریف در بدنه سفال، خراشیده شده‌اند. در آنها از به کار بردن اشکال انسانی پرهیز شده و در عوض از ترنج‌های گل و بوته‌ای، اسلیمی و نیز پیچک‌هایی به شیوه ایرانی و همچنین برخی کتیبه‌ها استفاده شده است. با استناد به برخی کتیبه‌های به‌کار رفته بر روی این نوع سفال‌ها، به طور مستند می‌توان تاریخ نیمه دوم قرن نهم ه.ق. تا ربع اول قرن دهم ه.ق. را برای آنها در نظر گرفت.



تصویر ۹: انواع سفال‌های لعاب‌دار با تزئین نقاشی زیر لعاب سیاه در زمینه فیروزه‌ای، خمیره فریتی (گونه موسوم به کوباچه، نوع قلم سیاه) (مکشوف از نجیر خاقلق)



تصویر ۱۰: انواع سفال‌های لعاب‌دار با تزئین نقاشی زیر لعاب سیاه در زمینه فیروزه‌ای، خمیره نخودی (گونه موسوم به کوباچه، نوع قلم سیاه) (مکشوف از نچیر خانلق)

۲- ظروف کوباچه متأخر که منقوش و رنگارنگ میباشند و بویژه با رنگ‌های اخراپی، قهوه‌ای، آبی، فیروزه-ای، سبز، سفید، سیاه، زرد و کرم تزئین گردیده‌اند (تصویر ۱۱). این نوع سفال‌ها از جهات فنی، رنگ و تزئین کاملاً با نوع اول تفاوت دارند و جزء تولیدات قرون دهم و یازدهم ه.ق. محسوب می‌شوند. در ضمن دارای لعاب تگری نسبتاً ضخیم، طراحی‌های آزاد و کم‌دقت، طرح‌های تقریباً نامشخص و دوپهلوی و رنگ‌هایی معمولی می‌باشند که تقریباً حالت زرد کم‌رنگ و پریده دارند. نقوش آنها مشتمل است بر مناظر طبیعی و اشکال درختان و گیاهان که در موارد متعددی با تصاویری از انسان، حیوان و پرنده توأم گردیده است. در برخی از نمونه‌های شاخص و قابل توجه این ظروف، نقاشی‌ها و بویژه چهره‌های انسانی و نیم‌تنه‌های اشخاص، کاملاً به شیوه اصفهانی و تداعی‌کننده مکتب رضا عباسی است (مهجور، ۱۳۸۷: ۷۱-۷۳).



تصویر ۱۱: انواع سفال‌های لعاب‌دار با تزئین نقاشی زیر لعاب چند رنگ در زمینه سفید، خمیره شبه‌چینی متأخر (گونه موسوم به کوباچه، نوع رنگارنگ) (مکشوف از نجیر خانلق)

با توجه به این موارد می‌توان نمونه‌های کوباچه شاخص و منحصر به فرد محوطه نجیر خانلق را به چهار گروه مختلف تقسیم بندی کرد که شامل سفال‌های با تزئین نقاشی زیر لعاب سیاه در زمینه فیروزه‌ای با خمیره نخودی یا شبه‌چینی و سفال‌های با تزئین نقاشی زیر لعاب چند رنگ در زمینه سفید با خمیره نخودی یا شبه‌چینی، است.

میزان پراکنش سفال‌های نقاشی زیر لعاب سیاه در زمینه فیروزه‌ای، یا چند رنگ در زمینه سفید با خمیره نخودی کوباچه متقدم در بخش تپه بلند اصلی و استقرارهای پیرامونی آن نسبتاً زیاد است. ماده چسباننده سفال‌های این گروه ماسه‌بادی است. بدنه آنها کاملاً هموار است و ناهمواری بین قطعات بررسی شده مشاهده نگردید. فرم تمامی نمونه‌های بررسی شده این گروه دهانه‌باز است. این گروه شامل کاسه‌های بزرگ یا متوسط است. تزئین سفال‌های زمینه فیروزه‌ای را بیشتر نقوش گیاهی و تا حدودی هندسی به رنگ سیاه و تزئین تمام نمونه‌های زمینه سفید را نقوش هندسی منحنی با رنگ‌های سیاه و فیروزه‌ای، تشکیل می‌دهد که سطح داخلی سفال‌ها و تا حدودی بدنه خارجی آنها را در بر گرفته و روی آنها را یک لایه لعاب شفاف و غلیظ قلیایی پوشانده است.

میزان پراکنش سفال‌های نقاشی زیر لعاب سیاه در زمینه فیروزه‌ای یا چند رنگ در زمینه سفید با خمیره شبه‌چینی متأخر کوباچه نیز در سطح محوطه و مخصوصاً بخش مرکزی آن، نسبتاً فراوان است. فرم تمامی نمونه‌های بررسی شده دهانه‌باز و شامل انواع کاسه‌های بزرگ و نیز متوسط است و لبه‌های گرد ساده با کفی

حلقوی دارند. تزئینات سفال‌های زمینه فیروزه‌ای، شامل طرح‌های هندسی و گیاهی به رنگ سیاه است که بر روی زمینه‌ای فیروزه‌ای ایجاد شده‌اند. تزئینات به‌کار رفته در سفال‌های چند رنگ زمینه سفید نیز شامل نقوش متنوع هندسی، پاشیده‌خال گونه و فلس مانند، اسلیمی، گیاهی و تا حدودی جانوری، و به رنگ‌های سیاه، فیروزه‌ای، قرمز روشن یا نارنجی و آبی است. این نقوش که تراکم چندانی ندارند، تمام سطح داخلی سفال و بخش بالایی بدنه ظرف در قسمت خارجی آن را پوشانده‌اند.

علاوه بر این گونه سفال‌های لعاب‌دار چند رنگ، نمونه سفال‌های محدودی نیز در سطح محوطه با تزئین آبی و سفید و خمیره نخودی، شبه‌چینی و چینی شناسایی گردیده است که دارای نقوش مختلف هندسی و گیاهی هستند (تصویر ۱۲) و با توجه به گاهنگاری‌های نسبی و مقایسه‌ای، احتمالاً در فاصله قرون هشتم تا یازدهم ه.ق. تولید و مورد استفاده قرار گرفته‌اند (توحیدی، ۱۳۷۸: ۲۸۷).



تصویر ۱۲: نمونه‌های سفال‌های لعاب‌دار آبی و سفید، خمیره شبه‌چینی متأخر (مکشوف از نچیر خانلق)

### نتیجه‌گیری:

در بررسی‌های باستان‌شناختی سال ۱۳۸۹ یکی از محوطه‌های وسیع و مهم دوران اسلامی دشت تهران، معروف به خانلق یا نچیر خانلق که با هدف شناخت بهتر محوطه و داده‌های سطحی و نیز گاهنگاری نسبی آن صورت گرفت، گونه‌های مختلف سفال‌های بدون لعاب و لعاب‌دار شناسایی گردید. جهت مطالعه دقیق‌تر، سفالینه‌های بدون لعاب به ۱۳ و لعاب‌دار به ۲۷ گروه تقسیم شدند که خود مبین پراکنش گونه‌های مختلف این داده فرهنگی در سطح محوطه است. در این میان، قطعات مختلف سفالینه‌های گونه موسوم به کوباچه

نیز در مقیاسی وسیع شناسایی گردید که چون برای نخستین بار در محدوده دشت تهران و با این حجم شناسایی شده است، از اهمیت بالایی برخوردار است. مطالعات نشان می‌دهد این نوع سفال‌ها در محل تولید نشده‌اند. این امر، اهمیت این محوطه و به طور کلی اهمیت «ری» را از جهت مبادلاتی و تجارتي در دوره اسلامی بویژه در قرون نهم تا یازدهم ه.ق. بیش از پیش به اثبات می‌رساند.

همچنین طی بررسی‌های داده‌های سفالین محوطه و گاهنگاری‌های نسبی و مقایسه‌ای آنها، مشخص گردید که این محوطه در فاصله قرون چهارم تا یازدهم ه.ق. تقریباً به طور پیوسته محل سکونت بوده است. البته با توجه به اینکه میزان پراکنش داده‌های سفالین قرون نهم تا یازدهم ه.ق. مانند سفالینه‌های آبی و سفید و گونه موسوم به کوباچه نسبت به سایر گروه‌ها، حجم بیشتری دارد، به نظر می‌رسد دوران اوج استقرار در این محوطه، مربوط به این قرون باشد.

**تشکر و قدردانی:** در پایان لازم است از کمک‌ها و راهنمایی‌های استاد محترم، سرکار خانم دکتر هایده لاله صمیمانه تشکر و قدردانی نماییم.

#### پی‌نوشت‌ها:

- ۱- در دهه‌های اخیر، اثر سفالین تاریخداری قدیمی تری از نوع زرین‌فام شناخته شده است. اثر مزبور، یک کاشی است که در موزه اسلامی برلین شرقی نگهداری می‌شود و در تاریخ نوزدهم جمادی الثانی سال ۵۲۹ ه.ق. ساخته شده و به مدفن یکی از سادات تعلق داشته است (قوچانی، ۱۳۷۱، ۲).
- ۲- در سطح محوطه یک قطعه سفال معروف به فقاغ با خمیره‌ای در طیف رنگ سبز نیز شناسایی شده که دارای پخت کافی و مناسب است.
- ۳- سفال‌های خمیره سفید فریتی، سنگینه و بسیاری از نام‌های دیگر، یکی از تولیدات مهم جهان اسلام محسوب می‌شوند که احتمالاً و با توجه به منابع منتشر شده، به تقلید از سفالینه‌های چینی تولید شده‌اند. این که چنین بدنه‌ای برای اولین بار در کجا ساخته شده، نامعلوم است، ولی احتمال می‌رود که منشأ آن مصر باشد (گروبه، ۱۳۸۴، ۱۲۹). احتمالاً سفال‌گران ایران تحت تأثیر سفالگران مصری، که پس از افول قدرت سلسله‌ی فاطمی به ایران مهاجرت کرده بودند، بدنه‌ی خمیر سنگی را تولید کرده‌اند (گروبه، ۱۳۸۴، ۱۳۰). با توجه به گاهنگاری‌های نسبی و مقایسه‌ای با محوطه-هایی چون پوئینک ورامین (چوبک، ۱۳۷۶، ۵۲)، شهر ری (Treptow, 2007, 26) و مشکین‌تپه‌ی زرنديه (صدیقیان، ۱۳۸۹، ۴۵)، می‌توان بیان کرد که این گونه‌ی سفالین در ایران در فاصله‌ی قرون ۶-۷ ه.ق. تولید و مورد استفاده قرار گرفته است.
- ۴- نیم‌حلقوی اصطلاحی است که برای انواعی از کف سفال‌های این محوطه در نظر گرفته شده که رینگ یا حلقه‌ی زیر آنها از ارتفاع بسیار کمی برخوردار است و کف بیشتر شبیه نمونه‌های کف مقعر می‌باشد.

#### منابع:

افروند، غدیر و خسرو پوربخشنده (۱۳۸۱)، گزارش پژوهشی بررسی و شناسایی آثار باستانی و تاریخی- فرهنگی حوزه فرمانداری ری، چهار جلد، آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان تهران (منتشر نشده).

- امیری، احمد (۱۳۶۶)، گزارش بازدید یک روزه از چند اثر باستانی در حسن‌آباد فشایویه، آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان تهران (منتشر نشده).
- توحیدی، فائق (۱۳۷۸)، فن و هنر سفالگری، تهران، سمت.
- چوبک، حمیده (۱۳۷۶)، «گزینۀ سفالینه‌های اسلامی قلعه بوئینک»، گزارش‌های باستان‌شناسی (۱)، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه)، صص ۵۱-۶۶.
- رضایی‌نیا، عباس (۱۳۸۵)، گزارش تعیین عرصه و حریم محوطه باستانی خانلق شهرستان ری، آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان تهران (منتشر نشده).
- صدیقیان، حسین (۱۳۸۹)، بررسی باستان‌شناسی سفال‌های دوران اسلامی محوطه مشکین‌تپه استان مرکزی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، گروه باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- صحی زاده، مهشید، شهاب‌الدین ارفعی و محمد سعید ایزدی (۱۳۷۶)، «شالوده کهن شهرهای ایران در سده ده و یازده»، مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، ج ۵، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور، ۲۴۹-۲۶۹.
- صدیقیان، حسین و دیگران (۱۳۸۹)، «معرفی و بررسی سفال‌های بدون لعاب خمیره قرمز دوره میانی اسلام»، مجله پژوهش‌های باستان‌شناسی مدرس، شماره ۴ (در دست چاپ).
- فهروری، گزا (۱۳۸۸)، سفالگری جهان اسلام در موزه طاروق رجب کویت، ترجمه مهناز شایسته‌فر، تهران، مؤسسه مطالعات هنر اسلامی.
- گروبه، ارنست ج. (۱۳۸۴)، سفال اسلامی، ترجمه فرناز حایری، تهران، کارنگ.
- مرتضایی، محمد و محمد یوسف کیانی (۱۳۸۵)، «مطالعه و تحلیل سفالینه‌های مکشوفه از کاوش‌های باستان‌شناختی سال‌های ۱۳۸۱ - ۱۳۸۴ محوطه تاریخی جرجان»، مجله علمی - پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، دوره ۵۷، شماره ۲-۱۸۰، زمستان ۱۳۸۵، صص ۱۱۱-۱۲۹.
- مهبجور، فیروز (۱۳۸۷)، بررسی سفالینه منقوش گونه کوبلچه، رساله دکتری، دانشگاه تهران، گروه باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- واتسون، آلیور (۱۳۸۲)، سفال زرین‌فام ایرانی، ترجمه شکوه ذاکری، تهران، سروش.

Mason, Robert (2004), *Shine like the sun: Luster painted and associated pottery from the medieval Middle East*, Ontario: Mazda publishers.

Pope; Arthur Upham (1938), *A Survey of Persian Art*, Vol. V, London and New York.

Treptow, Tanya (2007), *Daily life ornamented the mediaeval Persian city of Rey*, Chicago: The oriental Institute.

Museum of the University of Chicago. Watson; Oliver (1985), *Persian Lustre Ware*, London, Faber and Faber.